

واکاوی ایدئولوژی داعش براساس نظریه توماس اسپریگنز

عباس حیدری^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان

نصرالله نخعی زرنندی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۰ - تاریخ تصویب: ۹۵/۱۲/۱۴)

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و کشف ایدئولوژی داعش است. مقاله حاضر سعی دارد براساس روش‌شناسی توماس اسپریگنز به این پرسش پاسخ دهد که ایدئولوژی داعش چگونه در خاورمیانه شکل گرفته است؟ براساس یافته‌های این مقاله، شکل‌گیری ایدئولوژی داعش، ریشه در بحران‌های معاصر جهان اسلام معاصر دارد. داعش بحران موجود در جوامع اسلامی را در جاهلیت مدرن این جوامع می‌بیند. آنها با مقایسه کشورهای اسلامی معاصر با جاهلیت قبل از اسلام معتقدند که مسائلی همچون کفر، شرک و بدعت سبب شکل‌گیری جاهلیت معاصر شده است. از نظر داعش، دلایل این بحران عبارت است از عواملی همچون مدرنیته که دین را از سیاست جدا کرد، فرقه‌گرایی و رافضی‌گرایی که با بدعت موجب انحراف در دین شد و انحطاط اخلاقی مسلمانان. از نظر داعش، هدف نهایی مسلمانان متعهد، باید استقرار حاکمیت خداوند روی زمین باشد تا به این وسیله، همه گناهان، رنج‌ها و فشارها دفع شود و بر همین اساس جامعه بازسازی شده خود را در گذشته و در قالب خلافت اسلامی به سبک و سیاق خلفای راشدین طرح‌ریزی می‌کند و تنها راه رسیدن به این جامعه آرمانی را در هجرت و جهاد می‌بیند.

واژگان کلیدی

داعش، بحران، جاهلیت، هجرت، جهاد، خلافت.

مقدمه

ایدئولوژی داعش چیست؟ چه جهانی از زندگی، چه فرهنگ و سبک زندگی، چه حاشیه تمدنی، کدام سائقه‌های وجودی، چه شائبه‌های ذهنی و چه سایه‌های ظریف رفتاری بر قالب ذهنی، بینش‌ها، شناخت‌ها، ارزش‌ها و روش‌های گروه ساختمان‌دهی به نام داعش حاکم است؟ اینها پرسش‌هایی است که در اتکاز قلبی و ذهنی و زبانی ما در هنگام بررسی ابعاد و اضلاع ایدئولوژی داعش مندرج است. بر این اساس، بحث را به صورت زیر پیش می‌بریم و مفاهیم و مقولات و گزاره‌های لازم را با رعایت رهیافت اسپریگنز بیان می‌کنیم.

داعش با تصرف بخش‌های به نسبت وسیعی از دو کشور عراق و سوریه، رسماً خلافت اسلامی را اعلام و ابوبکر البغدادی را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کرد و از همه مسلمانان جهان درخواست کرد تا با وی به عنوان امیرالمؤمنین بیعت کنند. با اعلام خلافت اسلامی، آشکار شد که این گروه تکفیری، علاوه بر داشتن مبانی فکری ریشه‌دار از هواداران متعصب برخوردار است که برای نیل به هدف به آسانی از جان خود می‌گذرند؛ بنابراین درک علل شکل‌گیری ایدئولوژی و اهداف داعش برای نحوه رفتار با آن بدون تحریک اختلافات مذهبی در شرایط حساس کنونی منطقه ضروری به نظر می‌رسد.

مقاله حاضر سعی دارد با استفاده از جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با استفاده از الگوی نظریه بحران توماس اسپریگنز به این پرسش پاسخ دهد که ایدئولوژی داعش چگونه در خاورمیانه شکل گرفته است؟ این روش‌شناسی بر این مدعاست که پدیده‌های سیاسی را باید به مثابه فرایندهایی در نظر گرفت که حاصل بحران‌ها و علت‌های گوناگون‌اند؛ بنابراین باید دید که چه علت‌ها یا دلایلی در شکل‌گیری پدیده‌های سیاسی مؤثرند و این علت‌ها و دلایل می‌تواند جنبه نظری یا ذهنی و جنبه عینی یا تجربی داشته باشند؛ پس در روش‌شناسی اسپریگنز باید بتوان به شناسایی و تحلیل مراحل چهارگانه مشاهده بی‌نظمی یا بحران، علت‌شناسی یا تشخیص درد، نظم خیالی یا جامعه آرمانی و راه‌حل‌شناسی یا راه درمان پرداخت.

۱. چارچوب نظری

روش‌شناسی اسپریگنز

اگر تفکیک شیوه اندیشیدن سیاسی و روش فهم اندیشه سیاسی مفروض گرفته شود، بدون شک نظریه بحران توماس اسپریگنز را باید در دسته دوم قرار داد. روش وی، راه قرائت اندیشه سیاسی را آموزش می‌دهد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۹۰-۸۵). اسپریگنز از جمله سنت‌گرایان علم سیاست

محسوب می‌شود که قائل به بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعه علوم سیاسی است (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۱۳).

کوشش‌های وی در راستای فهم نظریه‌های سیاسی که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، چارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می‌دهد که به مدد آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه‌پردازی را کشف کرد (حقیقت و حجازی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). حرف اصلی اسپریگنز این است که همه اندیشه‌های استوار را می‌توان با کشف منطق درونی آنها دریافت و چارچوب منطق آنها را شناسایی کرد (تیلور و رجایی، ۱۳۹۳: ۶۰).

نظریه بحران در عین سادگی و کم‌ادعا بودن، کارایی زیادی در فهم اندیشه سیاسی دارد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۳۱). این نظریه چهار مرحله دارد و هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود. او در گام اول، مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران به شدت واقع‌گرا هستند و اندیشه‌های سیاسی آنها پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است. بر این اساس، نظریه‌ها صرفاً تفریح آکادمیک نبوده، بلکه عملاً به موضوعات عملی و روزمره سیاست مربوط بوده است. تلاش آنها بر این است که تصویری جامع و درکی نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند (برزگر، ۱۳۸۳: ۴۸). بنابراین «پژوهشگر از جایی شروع می‌کند که متفکر خود آغاز کرده است، نه از نتیجه و نه از سؤالات انتزاعی، بلکه احساس مشخص سردرگمی و حیرتی که در ابتدا نظریه‌پرداز را به تفکر واداشته است». بر این اساس پایه‌پای متفکر پیش می‌رویم تا ببینیم او در شکل گرفتن اندیشه‌اش از چه مراحل عبور می‌کند (منوچهری و عباسی، ۱۳۸۹: ۳۰۰). از نظر اسپریگنز، بحران‌هایی که نظریه‌پردازی را موجب می‌شوند به اشکال متعدد ظهور می‌یابند. بحران ممکن است برای همه روشن باشد - حداقل در سطح پیدا شدن علائم و نشانه‌ها - و تمام افراد جامعه را در برگیرد و بر زندگی همه اثر بگذارد؛ در هم گسیختگی‌ها و مصیبت‌های گسترده‌ای که به صورت جنگ‌های داخلی و بحران‌های اقتصادی جوامع انسانی را گرفتار می‌کند (اسپریگنز، ۱۳۷۷: ۵۱).

گام دوم پس از مشاهده بحران بی‌نظمی، جست‌وجوی دلیل بی‌نظمی بوده است. نظریه‌پرداز بعد از شناسایی مشکل نمی‌تواند آرام بگیرد، بلکه باید ریشه مشکل را بیابد. باید به مطالعه دقیق علل بی‌نظمی و کارکرد نادرست اوضاع سیاسی که مشاهده کرده پردازد؛ این مرحله خیلی دشوار است. الگوی فکر بعضی نظریه‌پردازان سیاسی، تلاش برای رسیدن به این هدف است (عزیزاللهی، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

در گام سوم وقت طرح این سؤال می‌رسد که اگر این وضعیت نامطلوب و بی‌نظم است، پس وضعیت مطلوب و نظم آرمانی کدام است (برزگر و عباس‌تبار، ۱۳۸۵: ۵۵). نظریه‌پرداز در این مرحله معمولاً تخیلات خود را به خدمت می‌گیرد و می‌کوشد که تصویر یک نظام سیاسی را

که در زمان او وجود ندارد ترسیم کند یا نظام سیاسی بهتری را ترسیم کند که در جامعه به شکل مطلوب وجود ندارد.

پس از مراحل یادشده، نوبت به گام چهارم یا معرفی راه حل می‌رسد. در این مرحله نظریه پرداز پیشنهادها علمی ارائه می‌کند. او طبعاً توصیه‌ای برای اعمال سیاسی مطرح می‌کند که به نظر او به بهترین وجهی، مشکل مطرح شده را حل و فصل می‌کند (عزیزاللهی، ۱۳۸۶: ۱۴۵). در این مرحله، راهی برای غلبه بر بحران ارائه می‌شود. ممکن است نظریه پرداز به صراحت بر اساس مراحل که اسپریگنز بیان کرده، نظریه خود را بیان نکرده باشد یا «برخی دیگر از اندیشمندان ممکن است علل اصلی و انگیزه خود را در بررسی نظم سیاسی توضیح ندهند یا آنها را در قسمت‌های کوچکی از نوشته‌های نه‌چندان معروف خود پنهان کنند» (اسپریگنز، ۱۳۸۹: ۷۷). لذا بر عهده پژوهشگر و خواننده است که همه ابعاد نظریه‌های اندیشمندان را به خوبی مطالعه کرده و ضمن کشف زوایای پنهان آن، اندیشه وی را بر اساس این چهار مرحله تنظیم کند تا بهتر و آسان‌تر بتواند انگیزه‌ها و اهداف نظریه پرداز را درک کند (مرتضویان و دهقانی، ۱۳۹۳: ۸۴).

۲. مشاهده بحران

عقب ماندگی، بی‌هویتی، حقارت، آوارگی، فقر، بیکاری، ناامنی، بی‌ثباتی، فساد، بی‌عدالتی، تبعیض، محرومیت و نبود توسعه همگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص جنگ‌های داخلی، اختلافات قومی و مذهبی و تهاجم فرهنگی و اقتصادی و نظامی از طرف غرب، همه مسائل و مشکلاتی هستند که جوامع اسلامی در خاورمیانه با آنها روبه‌رو هستند در چنین شرایط آشفته‌ای ابومحمد عدنانی سخنگوی داعش با اشاره به دوران جاهلیت قبل از اسلام و توصیف شرایط آن زمان، به ضلالت و گمراهی، اختلاف و وضعیت بسیار بد خوراک و پوشاک اعراب، آمدن اسلام را موجب عزت و قدرت و هدایت مردم می‌داند و با بیان اینکه غلبه اعراب بر دو امپراتوری ایران و روم تنها به دلیل ایمان راسخ و وحدت مسلمانان بوده است که با وجود تعداد اندک خود توانستند بر لشکریان بزرگ ایران و روم پیروز شوند، در تلاش است دوران جاهلیت را با وضعیت کشورهای اسلامی مقایسه کند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۶).

ابومصعب زرقاوی از رهبران گروه داعش بر این عقیده است که مردم کشورهای اسلامی به دلیل غوطه‌ور شدن در جهل و دوری از احکام اسلام در جامعه جاهلی به سر می‌برند. از نظر زرقاوی، جامعه جاهلی یعنی عبودیت غیرخدا به جای عبودیت خداوند و تشریح احکامی که به دست خود، آن را جعل کرده‌اند. در جاهلیت کنونی، تشریح به دست بشر صورت می‌گیرد و حلال خدا حرام و حرام خدا حلال می‌شود. تفاوت جامعه جاهلی زرقاوی با دیگر گروه‌های افراطی گذشته همچون القاعده که غرب و آمریکا را جامعه جاهلی می‌دانستند، در این است که

جامعهٔ جاهلی زرقاوی، شیعیان و هر فردی از اهل سنت که با شیعیان هم‌نوا باشد را هم شامل می‌شود (صبور، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۴).

ابوبکر البغدادی در سخنرانی خود در نماز جمعه بعد از خلافت اعلام کرد: «ای امت اسلام، به‌راستی که جهان امروز به دو اردوگاه ایمان، و نفاق و کفر بدون اردوگاه سومی تقسیم شده است. اردوگاه مسلمانان و مجاهدین در یک طرف و ما بقی ملت‌ها و مذاهب کفر که توسط آمریکا، روسیه و یهودیان رهبری می‌شوند در طرف دیگر قرار دارد» (Daesh, No. 7, 2014:71). از دید داعش، کفر یکی از مصادیق جاهلیت جوامع معاصر و امروزی است. بنابراین سلفی‌های تکفیری همهٔ دولت‌های اسلامی را به‌سبب اتخاذ روش‌ها و قوانینی غیر از قوانین کتاب و سنت، کافر تلقی می‌کنند و این کفر جدید را شدیدتر از کفر مشرکان عصر جاهلیت می‌پندارند، زیرا به‌زعم آنان، مشرکان عصر جاهلیت برای نزدیک شدن به خدا بت‌پرستی می‌کردند، ولی کافران دورهٔ اخیر، خدایان دیگری را به‌جای الله برگزیده‌اند (فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۳۹).

۳. علل بحران

هر ایدئولوژی در پاسخ به شرایط و بحران‌های خاصی شکل می‌گیرد و در جهت حل فصل آن پیش می‌رود. با تأمل در مباحث نظری، دستورالعمل‌های جهادی و گفتارهای ترویجی نویسندگان وابسته به داعش و گروه‌های جهادی که در آنها اهداف، برنامه‌ها و رویکردهای عملیاتی به‌روشنی تبیین شده است، در می‌یابیم که علل و عوامل چندگانه‌ای در شکل‌گیری ایدئولوژی داعش مؤثر بوده است (مصطفی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). می‌توان این دلایل را به فکری، عقیدتی و مذهبی، سیاسی و اخلاقی تقسیم کرد. از نظر داعش این علل سبب سقوط جوامع اسلامی به جوامع جاهلی شده‌اند.

۳.۱. دلایل فکری: مدرنیته

مدرنیته یکی از مفاهیم مهم در حوزهٔ تاریخ، فلسفه و علوم اجتماعی است که تعریف‌های گوناگون و گاه متضادی از آن ارائه داده‌اند (احمدی، ۱۳۷۳: ۳). مدرنیته در معنای کلی و گستردهٔ آن با فکر یا ایدهٔ نوآوری، ابداع، ابتکار و تازگی هم‌آواست. لذا از این نظر در نقطهٔ مقابل گذشته‌گرایی، کهنه‌پرستی، رکود، عقب‌افتادگی، قدیمی بودن، توسعه‌نیافتگی، بی‌ذوقی، بی‌سلیقگی و سنت قرار دارد (محقق، خطیبی، ۱۳۹۱: ۴۰-۳۹).

شاخص‌ها و مقولات اساسی مدرنیته را به تعبیر آنتونی گیدنز می‌توان چنین برشمرد: انقلابات علمی، رنسانس، روشنگری، ظهور دولت مدرن، اقتدار عالی خرد در امور انسانی، اقتدار علوم طبیعی، تأکید بر حقوق طبیعی همهٔ افراد و بالاتر از همه حق آزادی، تأکید بر

فردگرایی، تسلط اقتصاد بازار آزاد، شهرنشینی، اومانیسم و فضیلت‌های انسانی چون تساهل، همدلی و دوران‌دیشی و نگاه امیدوارانه به آینده (Giddens, 1991:3).

پژوهشگران بر این باورند که جوهره حرکت بنیادگرایی، نوعی اعتراض به روند مدرنیزاسیون و تأثیرات آن بر جوامع اسلامی است. در واقع، می‌توان گفت بنیادگرایی مذهبی، شورشی بر مدرنیته و میراث روشنگری غرب و ضداصول مدرنیته بوده است (محرر، خطیبی، ۱۳۹۱: ۴۷-۵۰).

بعد از القاعده، در گروه‌هایی نظیر داعش جابه‌جایی استراتژیکی رخ داد. در همین مقطع نوسلفی‌ها اسلام و کفر را باز تعریف کردند. آنها معنایی مضیق از اسلام ارائه کردند و در مقابل مفهومی بسیار موسع از کفر. در واقع نص‌گرایی در پی رد هر گونه تأویل و عقل‌گرایی و نفی تمام مظاهر مدرنیته است (بخشی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). از دیدگاه داعش همچون دیگر گروه‌های بنیادگرا، مدرنیته و اصول آن از جمله سکولاریسم، دموکراسی و علم‌گرایی با اسلام در تضادند.

۳. ۱. ۱. سکولاریسم

یکی از تأثیرات مدرنیته، سکولاریزاسیون و کنار گذاشتن دین از بطن زندگی جامعه است. (زارعی، ۱۳۹۳: ۸۳).

بنیادگرایان بر این باورند که کنار گذاشتن شریعت و قوانین اسلامی و ارزش‌های مذهبی به ویژه پس از دوره استعمار، جوامع اسلامی را همچون دوران پیش از اسلام در جاهلیت و گمراهی فرو برده است. از اطلاق جاهلیت به جوامع اسلامی نتیجه گرفته می‌شود که تمام حکومت‌های غیراسلامی (به معنای حکومت‌های غیرمبتنی بر تطبیق شریعت) نامشروع‌اند. از نظر آنها دولت باید تابع خداوند باشد؛ چه اینکه به گفته قرآن، حکم تنها از آن خداوند است (هوشنگی و پاکچی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). مسلمان بودن یعنی تسلیم الله بودن. یکی از ۹۹ اسم الله، الحکم است. به این مفهوم که او یگانه وضع‌کننده قانون است. هیچ‌کس نمی‌تواند صفتی را که الله به خود منسوب کرده، از آن خود بداند. اگر کسی خود را مجاز به وضع قانون بداند، یکی از ویژگی‌های الله را به خود نسبت داده است و این یعنی ارتداد! این اصلی بسیار ساده و بدون فلسفه‌بافی‌های زائد است (تودنهورف، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

بنابراین داعش سکولاریسم را سبب جدایی دین از سیاست می‌داند که موجب گمراهی مسلمانان شده است. از نظر داعش یکی از نتایج سکولاریسم که در اذهان مردم عصر حاضر نفوذ کرده، جدایی دین و دولت و جدایی دین و حکومت است و تلقی کردن از قرآن به‌عنوان یک کتاب سروده و ذکر به‌جای یک کتاب که دارای قانون اجرایی و حکومتی است. به هر

حال درک مردم امروز که امامت نمی‌تواند با امور سیاسی به‌درستی و به‌طور مناسب استقرار یابد نادرست است (Dabiq, Issue 1, 2014: 24).

۳.۱.۲. دموکراسی

یکی دیگر از تأثیرات مدرنیته، دموکراسی و مردم‌سالاری و حق انتخاب است. دموکراسی از دو واژه demos به‌معنای مردم و kratia به‌معنای قانون، برای توصیف انواع حکومت دموکراسی اولیه در قرن ششم قبل از میلاد استفاده می‌شد. این اصطلاح به‌معنای حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم تعریف شده است (Osman, 2001: 4).

داعش با رد ایدئولوژی‌های معاصر، آنها را موجب گمراهی مردم می‌داند و بیان می‌کند: «این ایدئولوژی‌های آلوده که تمام ملت‌های جهان را به استبداد گرفتار کرده‌اند. دو راه پیش روی آنها وجود دارد: یا در پی حقیقت سوار کشتی می‌شوند یا اینکه در پی ظلمت در سیل فرو رفته و به کام مرگ می‌روند» (Dabiq, Issue 2, 2014: 5). داعشی‌ها دموکراسی را کفر می‌دانند (بخشی، ۱۳۹۲: ۱۴۵)؛ چراکه از نظر داعش، اصل انتخاب که در عصر حاضر بر سر مردم سایه افکنده است، موجب رعایت نشدن کامل اصول دینی می‌شود و مردم را دچار اشتباه می‌کند و سبب می‌شود که آنها به‌سمت لذت‌های دنیوی کشیده شوند (Dabiq, Issue 2, 2014: 11).

داعش دیدگاه خود را در خصوص قوانین احزاب و انجمن‌ها به‌صورت شفاف چنین اعلام می‌کند: «آنها گروه‌هایی هستند که از دین خدا برگشته‌اند و رفتارهایی را انجام داده‌اند که اصول دین خدا را باطل کرده‌اند؛ از این میان آنها با دولتی که شریعت خدا را اجرا می‌کند مبارزه کرده‌اند و در تلاش‌اند دولت دموکراتیک اسلامی کثرت‌گرا را تشکیل دهند و قوانین خدا را با قوانین جاهلی جایگزین کنند» (Dabiq, Issue 13, 2016: 14).

۳.۱.۳. علم‌گرایی

فراخوان سلفیه، دعوتی است به بازگشت به عصر ماقبل عقلی - یعنی غیرعقلانی - تاریخ فکری عرب. در نتیجه آن، اگرچه «فکر فلسفی» همچنان در لفظ و بیان، عقل و عقلانیت را تصدیق می‌کند، عقل را به سطح نیرویی منفی، محدودکننده بسط و گسترش فعالیت‌های فکری در محدوده‌ها و حوزه‌های نامکشوف و نامعلوم، تقلیل داده است (صفا، ۱۳۸۰: ۲۵۰). به‌طور کلی سلفی‌ها در معنای عام یا خردگریزند یا خردستیز. از این‌رو، رگه‌ها و گرایش‌های ضد عقلانی در سلفی‌ها چنان نیرومند شده که به یکی از مشخصه‌های فکری آنان تبدیل شده است. این اصل چنان مهم است که می‌توان به‌نوعی رابطه معکوس بین عقل‌گرایی و سلفی‌گری قائل شد؛

به این معنا که هرچه عقل‌گرایی، به‌ویژه در معرفت‌دینی، افزایش یابد، از سلفی‌گری کاسته می‌شود و بدین ترتیب، تبدیل آن از سلفی‌گری افراطی به سلفی‌گری معتدل و حتی «سلف‌گرایی»، محتمل خواهد بود. البته عکس آن نیز صادق است (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

بنابراین تکفیری‌ها برای عقل و تفسیر عقلی اهمیتی قائل نیستند و به لحاظ روش، منقولات دینی و احکام شرعی را بر داده‌های علمی و عقلی مقدم می‌دارند. در این دیدگاه، دانش‌های عقلی بشری فتنه‌اند؛ زیرا انسان را از خداوند بی‌نیاز می‌کنند. قبل از هر چیز، عبادت و پرستش خداوند اهمیت دارد و پس از آن تعلیم و تعقل در حد ضرورت مهم است. تکفیری‌ها علم را سبب طغیان و سرکشی و بی‌نیازی بشر معرفی می‌کنند (فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۳۸). ابو عمر البغدادی از رهبران داعش که پس از ابومصعب زرقاوی ریاست شورای مجاهدین در عراق را بر عهده گرفت، بسیاری از مشکلات جهان را ناشی از تمدن غرب برمی‌شمرد و آن را تمدن دروغ می‌نامد و می‌گوید: «ای جوانان محمد، امروز ما در آستانه دور جدیدی هستیم، امروز ما شاهد پایان دروغی به نام تمدن غرب، تمدن شرک و کفر، ریا و فحشا، تمدن تحقیر و انقیاد و ظهور عزت اسلامی هستیم.» (Dabiq, Issue 4, 2014: 4).

۳.۲. دلایل عقیدتی و مذهبی

شیع از مذاهب اسلامی است که گروه داعش با آنها اختلافات عمیق عقیدتی و مذهبی دارد که ریشه آن به آرا و عقاید ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب برمی‌گردد. در واقع از نظر سلفی‌ها هر آنچه امامیه را از عامه متمایز می‌سازد بدعت است. شفاعت، امامت، عصمت، تقیه، مهدویت، توسل، زیارت قبور و تعزیه به‌عنوان مناسکی که شیعه به آن باور دارد و همچنین رویکرد تاریخی شیعیان به سقیفه و صحابه و سلف صالح تماماً به‌مثابه شرک، کفر، بدعت و خرافه بازنمایی می‌شود. از منظر سلفیون تکفیری در آیین تشیع، هم ربوبیت (قدرت الهی)، هم الوهیت (عبادت کردن) و هم صفات و اسماء الهی به‌گونه‌ای تعریف شده که با درک و فهم سلف صالح از اسلام همخوانی ندارد و از این طریق شیعه به‌مثابه غیر بازنمایی شده و از دایره گفتمانی اسلام طرد می‌شود (صادقی و کاظمی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). از نظر آنها مشرکان شیعه، مردم اهل کتاب هستند که در جوامع اسلامی، هم در قانون و هم در سیاست، مسئله توحید را کنار گذاشته‌اند، زیرا از نظر تکفیری‌ها، توحید نقطه ثقلی است که موجب اجرای فرمان‌های الهی بر روی زمین و به‌خصوص تشریح در قانون‌گذاری و نیز در سیاست می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

داعش شیعیان و رافضی‌ها را معروف‌ترین فرقه در بین همه فرقه‌های منحرف می‌داند که قبور را پرستش می‌کنند. داعشی‌ها معتقدند که شیعیان مسلمان نیستند. آنها یکتاپرست (موحد) نیستند، زیرا به امامانشان توسل می‌جویند و علی (ع) و دیگر امامان خود را مقدس می‌دانند.

بنابراین داعش یکی از بحران‌های موجود در جوامع اسلامی را شیعه‌گری می‌دانند که به دلیل بدعت و انحراف در دین مدنظر آنها، این افراد در ذیل اجتماع و اردوگاه دوم یا جهان کفر قرار می‌گیرند. چون از نظر داعش افراد و مذاهب باید یا به جهان کفر تعلق داشته باشند یا به جهان ایمان و در نتیجه، منطقه خاکستری نه برای مذاهب وجود دارد و نه برای افراد (Dabiq, Issue 7, 2015: 57).

داعش علاوه بر شیعیان با اهل سنت در مورد مسائلی همچون زیارت اهل قبور و جهاد اختلاف عقیده دارد. توسل به قبور بزرگان دین از جمله پیامبر اسلام، مختص تشیع نیست و اهل سنت نیز به توسل به پیامبر اعتقاد دارند. محمد عزت دروزه، از مفسران سنی قرن چهاردهم هجری، درباره فضیلت زیارت قبر شریف نبوی (ص) و سفر برای این مقصود و سیره مسلمانان در این زمینه می‌نویسد: «روایات نبوی زیادی درباره فضیلت یثرب که مدینه منوره نامیده شده و حرمت آن و حرمت مسجدالنبی و سفر برای تشریف به این مسجد و زیارت قبر شریف پیامبر وجود دارد. از این رو زیارت این شهر و نماز در مسجدالنبی و زیارت قبر شریف آن حضرت از امور رایج میان مردم در هر زمانی بوده است؛ به‌ویژه وقتی که مردم به مکه برای ادای فریضة حج و عمره می‌آیند (اصغری‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۱). در خصوص مسئله جهاد داعش معتقد بر این عقیده است چون اهل سنت پیرو مکاتب اربعه جهاد را تعطیل کردند، کافر شدند و انکار حکم الله، کفر محسوب می‌شود و تعطیلی عملی حکم خداوند به معنای انکار آنهاست (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۲۹).

۳.۳. دلایل سیاسی

۳.۳.۱. سیاست آمریکا در خاورمیانه

با حمله آمریکا به عراق، بحران در خاورمیانه وارد عرصه‌ای تازه شد. در واقع، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، مرحله دوم دولت‌سازی در عراق بود. این نگرش جدید به خاورمیانه در قالب «خاورمیانه بزرگ»، نخستین بار در سخنرانی رئیس‌جمهور وقت آمریکا جورج بوش در نوامبر ۲۰۰۳ مطرح شد. پس از این رویداد، اولویت آمریکا در خاورمیانه تغییر پیدا کرد و به سمت دموکراتیزه کردن کشورهای منطقه چرخش یافت (نجات، ۱۳۹۴: ۷۰). جورج بوش در سخنرانی خود در فوریه ۲۰۰۳ نظریه دومی‌نوی دموکراتیک خود را بیان کرد. بر این اساس، «جهان در گسترش ارزش‌های مردم‌سالارانه منافع روشنی دارد. ملت‌های آزاد و باثبات، ایدئولوژی‌های کشتار و مرگبار نمی‌پروانند ... حکومت نوین عراق، الگو و نمونه‌ای برجسته و الهام‌بخش از آزادی برای دیگر ملت‌های منطقه خواهد بود.» (برزگر، ۱۳۷۶: ۲۲۸).

در این میان بسیاری معتقدند رشد گروه‌های افراطی از جمله میراث حمله نظامیان آمریکایی به عراق در سال ۲۰۰۳ و خلأ پس از آن است که به عبارت دیگر، پیامد بحران دولت-ملت‌سازی جدید در دوران پس از تهاجم به عراق است (نجات، ۱۳۹۴: ۷۱). چنانکه بیان شد، داعش اصول و مبانی مدرنیته همچون سکولاریسم، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر را در تضاد با اسلام می‌بیند. از نظر این گروه، هر شخص یا کشوری که سعی در ترویج و نهادینه‌سازی این اصول در کشورهای اسلامی داشته باشد حکم به کفر آنها می‌دهد.

بنابراین داعش نیز همچون القاعده ضدیت با آمریکا را ادامه می‌دهد و با هشدار به ملت‌های مسلمان، آمریکا را مسئول کشتار مسلمان‌ها می‌داند و آنان را به مقابله با آمریکا فرا می‌خواند: «ای مسلمانان! آمریکایی‌ها نیامده‌اند تا مسلمانان را نجات دهند و مجاهدین را در جنگ در راه خدا کمک کنند و ما را از خوارج نجات دهند، بلکه آنها برای قتل‌عام ما آمده‌اند» (Dabiq, Issu 4, 2014: 9). آمریکا در زمان حمله مستقیم به عراق تا قبل از خروج از عراق، زنان، کودکان و سالخورده‌گان زیادی را کشتند؛ هنوز حساب‌های زیادی از بلک‌واتر هنگام مأموریت‌هایشان که به زنان تجاوز کرده‌اند وجود دارد و چه بسیار خانواده‌های بی‌شمار عراقی کشته شده‌اند. وقتی که یک مجاهد با چاقو یک نفر را بکشد آن کشتار را وحشیانه می‌خوانند ولی آمریکایی‌ها روزانه هزاران نفر را در سراسر جهان با گذاشتن انگشت بر روی یک دکمه موشک می‌کشند (Dabiq, Issu 3, 2014: 3). به لطف الهی اوپاما راه جورج بوش را خواهد رفت و به بدترین وراثت تبدیل خواهد شد که در نهایت به فروپاشی کامل ابرقدرتی آمریکا منجر می‌شود (Dabiq, Issu 3, 2014: 4).

۳.۲. هلال شیعی و قدرت گرفتن شیعیان

حمله آمریکا به عراق نقطه عطفی در تحولات عراق و به‌خصوص افزایش نقش شیعیان بود. سقوط صدام حسین و پیش از آن کنار زدن طالبان در افغانستان، نفوذ کشورهای شیعی و وزن سیاسی-اقتصادی آنها را در خاورمیانه به شکل چشمگیری تقویت کرد (Luomi, 2008: 11). این مسئله به نگرانی در جهان سنی دامن زد که ائتلافی میان شیعیان رها شده عراق با شیعیان در ایران در حال شکل‌گیری است. اعراب سنی معتقد بودند این ائتلاف می‌تواند تأثیراتی جدی بر سایر اقلیت‌های شیعی در کشورهای دیگر بر جا بگذارد. بحث هلال شیعی را نخستین بار در سال ۲۰۰۴ ملک عبدالله پادشاه اردن در مورد به قدرت رسیدن یک حکومت شیعی وفادار به ایران در عراق بر زبان آمد (Helfont, 2009: 287). داعش هم با تأکید بر همین موضوع می‌گوید: «هلال شیعی از تهران تا بیروت در حال گسترش است. جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله در لبنان و رژیم اسد در سوریه همه بخشی از این هلال هستند. رهبران ایران

در تلاش‌اند که عراق را به یک دولت شیعه تبدیل کنند و ایالات متحده آمریکا در حال همکاری با نقشه آنهاست» (Bunzel, 2015: 11).

تحلیل گفتمان زرقاوی یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه الله از نظریه پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، نمودار آن است: «شیعه نه تنها از مارکین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خودساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است» (سیدزاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸). داعشی‌ها اعتقاد دارند که حکومت شیعی ایران، شیعیان عراق را تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی و حکومتی خود قرار داده است و می‌گویند «شیعیان عراق بر این باورند که اقتدار بلامنزاعه ایران ناشی از نظریه ولایت فقیه است؛ عقیده‌ای که براساس آن رهبر ایران بالاترین قدرت سیاسی و مذهبی شیعیان را در اختیار دارد» (Dabiq, Issue 4, 2015: 46). بنابراین از نظر داعش بحران سیاسی دیگر در منطقه، مربوط به قدرت گرفتن شیعه و شیعیان است که به تفرقه بین جوامع اسلامی منجر شده است. برای القاعده، محور مرکزی، غرب است و درگیری با شیعه در مرحله بعدی قرار دارد، اما هدف کانونی داعش، تشیع است. آنها به جای آزادسازی قدس، در پی آزادسازی بغداد و احیای عصر هارون الرشید هستند (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

۳.۳.۳. ناسیونالیسم و میهن پرستی

ایدئولوژی داعش در جهت نفی عنصر ناسیونالیسم و مرزهای ملی در تقابل با گرایش اسلامی شکل گرفته است. ایده شام بزرگ با قلمرو تاریخی گسترده‌ای شامل کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و بخش‌هایی از غرب عراق و صحرای سینا، بازتاب انگاره‌های ایدئولوژیک است. از دید ابوبکر البغدادی، مسلمانان تنها به امت اسلامی تعلق دارند، نه به تعلقات سرزمینی، «زیرا سوریه متعلق به سوری‌ها و عراق متعلق به عراقی‌ها نیست» (مصطفی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از همین نظر، داعش در حال شکستن مرزهای ملی و ادغام استان‌ها و کشورهای مختلف است و ناسیونالیسم سبب تضعیف امت اسلامی می‌شود (Daesh, no6, 2013: 103).

داعش ناسیونالیسم را با اسلام سازگار نمی‌داند و آن را از عوامل بحران در کشورهای اسلامی برمی‌شمرد. داعشی‌ها معتقدند که ناسیونالیسم با تأکید بر قوم‌گرایی و ملی‌گرایی سبب تفرقه در جهان اسلام و انحراف جوانان شده است. ابوبکر البغدادی می‌گوید تفکر ناسیونالیستی و میهن پرستی با تعدادی از اصول دین در تضاد است و در ادامه با استفاده از آیات قرآن سعی در رد ناسیونالیسم دارد. از نظر البغدادی «برتری افراد و دیگران به تقوا و ایمان آنهاست، نه خون آنها»؛ چراکه خداوند تعالی می‌فرماید: «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را

بشناسید، همانا بزرگواری و بافتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شماست، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است» (حجرات: ۱۳).

بغدادی در ادامه می‌گوید: «متأسفانه تعدادی از جوانان سکولار، پیشه دروغ را ترویج می‌دهند و اصولی را برای آن تنظیم می‌کنند و به جانبداری از آن استدلال می‌کنند و پرچم‌های بی‌بصیرتی به نام ناسیونالیسم و میهن‌پرستی را بر افراشته‌اند» (Dabiq, Issue 8, 2014: 11). در مورد تعصب کردها به قومیت خود، ابوبکر البغدادی با بیان حدیثی از پیامبر که می‌فرماید: «عصبیت و قومیت را رها کنید»، ترک عصبیت را امر صریح پیامبر می‌داند که هیچ استثنایی ندارد (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۴: ۳۶). از نظر ابوبکر البغدادی در جامعه جاهلی، انسان‌ها براساس نژاد، خون، رنگ و ملیت شناخته می‌شوند و با استناد به قرآن «(به یاد آر) زمانی که کافران در دل‌های خود خشم و تعصب جاهلیت نهادند» (فتح: ۲۶)، ناسیونالیسم عرب و کرد و میهن‌پرستی را دعوتی برپایه جاهلیت و حزب‌گرایی می‌خواند (Dabiq, Issue 8, 2015: 8).

۴.۳. دلایل انحطاط اخلاقی

داعشی‌ها گناه، خودخواهی، میل به قدرت و ثروت و سرپیچی انسان‌ها از دستورهای خداوند را عامل رانده شدن انسان‌ها به جرگه کفر و در نهایت، جامعه جاهلی می‌دانند. از دید آنها گناه دروازه کفر است. خطرناک‌ترین میل که باید بر آن فائق شد این است که میل به ثروت و قدرت در آدمی غلبه یافته باشد. پیامبر خدا گفت: «که دو گرگ در میان گوسفندان مخرب‌تر از تمایل انسان برای ثروت و افتخار مذهبش نیست. تکبر و حسادت آن چیزی هستند که ابلیس را به مقاومت علیه خداوند سوق داد، به‌خصوص بعد از آنکه خداوند دستور داد تا او را سجده کنند. شیطان با عصبانیت وعده داد تا به جنگ علیه او برخیزد، با این آگاهی که جایش در آتش دوزخ است. تکبر و حسادت همچنین سبب شد که قوم بنی‌اسرائیل از پذیرش اسلام سر باز بزنند و معتقد باشند که آخرین پیامبر باید از قوم آنها برگزیده شود». داعش برای توجیه استدلال‌های خود به دیدگاه افرادی همچون ابن قیم جوزی از بارزترین شاگردان ابن تیمیه تمسک می‌جوید که گفته: «البته تکبر، حسادت، خشم و میل عوامل اصلی منجر به کفر هستند. آنها این چهار رکن را که در نهاد انسان‌ها نهفته است، نه تنها عامل انحراف افراد و سوق دادن آنها به جرگه کفر می‌دانند، معتقدند این چهار رکن علاوه بر آدمی، جریان‌ها و احزاب را به سوی اردوگاه کفر و در نهایت به جامعه جاهلی سوق می‌دهند (Dabiq, Issue 2, 2014: 29-30).

نزد سلفی‌های قدیم، شرک و کفر، گونه‌ای از عبادات و عقاید فردی بود، مثل توسل به اولیا، نذر، شفاعت، زیارت قبور. ولی شرک و کفری که سلفیان جدید به آن معتقدند و از آن به کفر جدید تعبیر می‌کنند، تقریباً همه شئون زندگی اجتماعی و مدنی شخص را در بر

می‌گیرد (مصطفی، ۱۳۹۴: ۳۳)؛ بنابراین داعش، اعمال و کارهایی همچون خوردن و استفاده از یخ به دلیل وجود نداشتن در زمان رسول خدا، استفاده از پوشک بچه، پوشیدن شلوار جین برای زنان، پوشیدن شلوار توسط مردان کمرباریک، کوتاه کردن مو، شانه کردن موی سر و صورت برای مردان، کشیدن سیگار و قلیان و ... را از مظاهر انحراف و گناه می‌داند (بامری، ۱۳۹۴: ۲۲۳).

۴. نظم و خیال، بازسازی جامعه

داعش پس از تشخیص علل درد و بی‌نظمی که جوامع اسلامی معاصر از آن رنج می‌برند، بر آن است که جامعه آرمانی خود را به تصویر بکشد. داعش با رجوع به ذهن و حافظه تاریخی خود در جست‌وجوی چنین جامعه‌ای است؛ جامعه‌ای که بتواند علل بی‌نظمی جوامع اسلامی معاصر را در خود حل کند تا در نتیجه آن جوامع جاهلی را به جوامع اسلامی تبدیل کند. به این منظور داعش بر آن است تا جامعه آرمانی خود را در قالب احیای خلافت اسلامی به سبک و سیاق خلفای راشدین بازسازی کند. خلافت نوعی حکومت اسلامی است که در آن رهبری سیاسی و مذهبی یکی است و رئیس دولت (خلیفه)، جانشین پیامبر است. اولین خلافت در سال ۶۳۲ بعد از میلاد پس از وفات پیامبر اسلام تأسیس شد. چهار خلیفه اول که به خلفای راشدین معروف‌اند، در مدینه عربستان سعودی امروزی را رهبری می‌کردند. در جهان اسلام، خلفای زیادی ظهور و سقوط کردند تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۲۴ میلادی مصطفی کمال آتاتورک الغای خلافت عثمانی را اعلام کرد. اگرچه نزدیک به یکصد سال گروه‌های مختلفی از بازگشت خلافت حمایت کردند، هیچ یک از آنها ادعای مسند خلافت را نداشت تا اینکه در سال ۲۰۱۴ میلادی داعش خلافت جدید را اعلام کرد (Mcquaid, 2014: 3).

جهادگرایان جدید، ایده خلافت را از زمینه‌های تاریخی و تبیین‌های نظری احیاگران عصر جدید گرفتند و با نگرشی واپس‌گرایانه درصدد احیای آن برآمدند. با تصرف موصل در شمال عراق توسط داعش، ابوبکر البغدادی در اولین جمعه ماه رمضان ۱۴۳۵ قمری (۱۳۹۳ خورشیدی) مصادف با چهارم جولای ۲۰۱۴ در مسجد جامع شهر موصل به‌مانند خلفای عباسی ملبس به لباس و دستار سیاه، با بیان این سخنان، خلافت اسلامی و برگزیده شدنش به‌عنوان خلیفه مسلمانان را اعلام کرد: «من رهبر شما هستم، هرچند که بهترین شما نیستم، پس اگر دیدید که به حق عمل کردم، حمایت کنید و اگر دیدید اشتباه کردم، نصیحتم کنید» (Bunzel, 2015: 31).

ابومحمد عدنانی سخنگوی داعش براساس آیه ۵۵ سوره نور: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل

گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند»، بیعت با ابوبکر البغدادی را در مقام خلیفه مسلمین، بر تمامی مسلمانان واجب دانسته، خطاب به تمامی گروه‌های جهادی در سرتاسر دنیا بیان می‌دارد «که در یاری نکردن این دولت هیچ عذر شرعی برای شما باقی نمانده است؛ زیرا حق ظهور کرده است و فتوحاتی که در این یک سال به دست آمده، در طول سال‌ها و بلکه قرن‌ها به دست نیامده بود» (ناوشکی و احمدیان، ۱۳۹۴: ۴۸).

در همین زمینه، ابوبکر البغدادی در زمان اعلام خلافت اسلامی گفت: ای مسلمانان جهان، بشارت و مژدگانی باد بر شما، به فضل خداوند امروز یک دولت و خلافت دارید که شما را به عزت، قدرت، حقوق و رهبری برمی‌گرداند. این دولتی است که در آن عرب و غیرعرب، سفید و سیاه، مشرقی و مغربی همه در آن برادرند، این خلافتی است که قفقازی، هندی، چینی، شامی، یمنی و مصری، مراکشی، آمریکایی، فرانسوی، آلمانی، استرالیایی همه در آن دور هم گرد آمده‌اند و خداوند قلب‌هایشان را به یکدیگر نزدیک کرد و در نتیجه به فضل خداوند برادر یکدیگر شده‌اند. خون خود را به هم آمیخته و زیر یک پرچم و هدف واحد در یک خیمه از برکت و رحمت برادران باایمان استفاده می‌برند. اگر پادشاهان و حکام از این رحمت بویی می‌بردند، سلطنت خود را رها می‌ساختند و به این اتصال الهی می‌پیوستند (Daesh, no 7, 2014:72).

عدنانی با استناد به چند روایت از منابع اهل سنت در لزوم پیروی از خلیفه و همچنین اولویت اطاعت از خلافتی که ابتدا برپا شده و مقدم بودن آن بر خلافت‌ها و سایر خلفا، خلافت و خلیفه داعش را در این دوران اولین خلافت توصیف می‌کند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۷). از نظر داعش همه افراد و مردمی که از جاهلیت گسستند، ایمان آوردند و تعالیم پیامبر اسلام را ملاک اعمال خود قرار می‌دهند، باید با خلیفه بیت کنند. هرکس از فرمانبری سرپیچی کند، به جاهلیت می‌پیوندد و آن که پاسخ آهنگ جاهلیت را بدهد در آتش دوزخ جای می‌گیرد. در روایت دیگری به نقل از صحیح مسلم در دابق آمده است: «هر کسی که بدون بیعت بمیرد، در جاهلیت مرده است» (مصطفی، ۱۳۹۴: ۹۷).

داعش در واقع سعی کرده هر چه بهتر خود را به مثابه نیروی احیاکننده نظام خلافت اسلامی به‌ویژه خلفای راشدین و خلفای عباسی جلوه‌گر کند و به همین دلیل، تمام تلاش خویش را برای تداعی‌سازی اتصالات تاریخی به‌کار گرفته است از جمله: ۱. انتخاب نام ابوبکر البغدادی برای خلیفه که ابراهیم عواد السامرایی نام دارد؛ ۲. خواندن خطبه به سبک خلیفه اول (ای مردم من بهترین شما نیستم)؛ ۳. پوشیدن لباس و جامه سیاه به سبک خلفای عباسی؛ ۴. استفاده از القاب امیرالمؤمنین، حسینی و به‌خصوص القریشی که تداعی‌کننده حدیث

معروف سقیفه «الائمہ من القریش» و فتوای فقهای معروف اهل سنت همچون شافعی، ماوردی، ابن جماعه و خنجی است (صادقی و کاظمی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). این جامعه بازسازی شده براساس اصول و احکام شرعی اسلام است و در این راه، به دست آوردن قدرت سیاسی، امری تبعی تلقی می‌شود. در واقع، اسلام سلفی در پی ایجاد نوعی جامعه اسلامی است که در کنار بهره‌گیری از برخی دستاوردهای تمدن غرب مانند ثروت و فناوری، از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی آن به دور باشد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷).

بازگرداندن خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف صالح است. از نظر سلفیان جدید، خلافت موجب حراست از دین و دنیا است. این امر با اصل انقلابیه که به معنای طرد کامل جوامع جاهلی است، تحقق‌یافتنی است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۴). بنابراین از نظر داعش هدف نهایی مسلمانان متعهد، باید استقرار حاکمیت خداوند روی زمین باشد تا به این وسیله، همه گناهان، رنج‌ها و فشارها دفع شود (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

۵. راه درمان

از نظر اسپریگنز در این مرحله باید راه‌حلی برای غلبه بر بحران موجود ارائه شود. چنانکه گفته شد داعش نظم و جامعه آرمانی در قالب خلافت اسلامی را طرح‌ریزی کرد و خلافت را در مقابل جامعه جاهلی قرار داد. از نظر داعش هجرت و جهاد نه تنها راه‌حلی برای برقراری خلافت است، بلکه آنها را لطف خداوند برای تأسیس خلافت می‌داند: «این همه، لطف خداوند برای اعطای امامت به دولت اسلامی به برکت هجرت و جهاد در راه او و در رأس آن تبار شریف، عقلانیت و سطح معتبر از دانش و عمل دینی است. این عنایت شامل هرکس نمی‌شود، بلکه هرکس او بخواهد، فردی صادق از امت اسلامی که تلاش بسیاری برای ساخت و تقویت ساختاری اسلامی در طول چندین سال انجام داده باشد» (Dabiq, Issue 1, 2014: 39).

۵.۱. هجرت

هجرت، واژه‌ای عربی به معنای مهاجرت است و به مهاجرت تاریخی پیامبر اسلام از مکه به مدینه بر می‌گردد که در مکه توطئه ترور وی را داشتند (Stern & Berger, 2015: 66)؛ بنابراین مفهوم هجرت با رفتن مسلمانان صدر اسلام از مکه به مدینه شکل گرفت و مورخان هجرت را یکی از گام‌های حیاتی در تحول جامعه جاهلی به جامعه اسلامی ارزیابی می‌کنند. در جامعه جاهلی، مسلمانان برای رهایی از آزار و اذیت مشرکان به مدینه پناه بردند؛ اما در جامعه جدید، نیاز به جذب و سازماندهی جنگجویان از سراسر منطقه و جهان، گروه‌های جهادی را بر آن

داشته تا مفهوم هجرت را مطابق با هدف‌های راهبردی خود در منظومه اعتقادی‌شان دوباره مفهوم‌پردازی کنند (مصطفی، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

اولویت داعش، هجرت از هر کجا به دولت اسلامی است. از دارالفکر به دارالسلام؛ همان‌گونه که حضرت موسی و دیگران انجام دادند، با والدین، فرزندان و غیره به دولت اسلامی بیایید. در اینجا برای خود و خانواده‌تان جا و مکان وجود دارد. شما می‌توانید یک مشارکت‌کننده مهم در آزادسازی مکه، مدینه و قدس باشید. شما نمی‌خواهید تا روز قیامت با این تضمین اعمالتان در ترازو باشد (Dabiq, Issue 2, 2014: 3).

از نظر داعش «هجرت پلی اصلی به جهاد خواهد بود، به‌خصوص در دوران بی‌هویتی دارالاسلام. پیامبر خدا فرمودند تا زمانی که جهاد وجود داشته باشد، هجرت نمی‌تواند متوقف شود». داعش از مجاهدین می‌خواهد که به‌دلیل نبود پلیس کارآمد در سرزمین عراق، خود را به آنجا برسانند (Dabiq, Issue 1, 2014: 36).

دعوت داعش به هجرت فقط شامل جوانان کشورهای اسلامی نمی‌شود. داعش جوانان و مسلمان کشورهای غربی را نیز برای پیوستن به این گروه ترغیب می‌کند. داعش به سخنی از رسول گرامی اسلام (ص) به روایت ابن مسعود (وفق منابع اهل سنت و سلفی) استناد می‌کند مبنی بر اینکه «اسلام با چیزی بیگانه شروع می‌شود و آن بیگانه‌تر خواهد بود از آنچه در آغاز بوده است، پس مژده به بیگانه‌ها، کسی پرسید: بیگانه چه کسانی‌اند؟ فرمود: کسانی که از قبیله و طایفه‌هایشان جدا شده‌اند» (Dabiq, Issue 3, 2014:6).

۵.۲. جهاد

از نظر سلفی‌ها تبدیل جامعه جاهلی به جامعه راستین اسلامی، بر عهده مسلمانان پیشتاز فداکار است، وظیفه مسلمانان با ایمان این است که از طریق دعوت و جهاد پیکارجویانه، به تجدید حیات اسلام دست بزنند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

جهاد، کلمه‌ای عربی به معنای مبارزه است و دامنه وسیعی از مبارزات روحانی تا جنگ‌های نظامی را شامل می‌شود (Stern & Berger, 2015: 6). جهاد اصطلاح بسیار پیچیده‌ای است که در قرآن به‌کار رفته و اشاره دارد به هر عملی که مجاهد به قصد قربت در روی زمین انجام دهد؛ گاهی ممکن است به معنای مبارزه برای رسیدن به انسان صلاح باشد و گاهی به معنای مبارزه در میدان جنگ. به عبارت دیگر این کلمه دامنه گسترده‌ای از رفتارها از جهاد با نفس گرفته تا جهاد در میدان جنگ را شامل می‌شود؛ اما در سلفی‌گری اغلب جهاد به مبارزه مسلحانه اشاره دارد (Stern, & Berger, 2015: 201). اما جهادگرایی اصطلاح بحث‌برانگیزی است که به اندیشه جریان‌های اسلام‌گرای معاصر اشاره دارد که پیروان آن خواهان به‌کارگیری خشونت برای

خروج جریان‌های غیراسلامی از سرزمین مسلمانان در جهت برپایی یک حکومت کاملاً اسلامی برپایه شریعت و قوانین الهی‌اند (Brachman, 2009: 4).

گروه‌های جهادی برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه شرعی خود می‌دانند. همه گروه‌ها، جز جهادی‌ها در پی راه‌های دموکراتیک و دیپلماتیک هستند، درحالی که از نظر جهادی‌ها در اوضاع کنونی جهان، تنها راه برپایی اسلام و تشکیل خلافت، جهاد است (غفاری و علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۸). از نظر آنها پیامبر با دین خدا آمد. او این دین را با جهاد تثبیت کرد، نه با انتخابات و دموکراسی که هر کس در آن اظهار نظر کند (تودنهوفر، ۱۳۹۴: ۲۲۲).

۵. ۲. ۱. ترور

ترور در اصطلاح به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب یا دولت به منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب یا حفظ قدرت است ... ترور شخصیت، یا ترور روانی یعنی ترساندن و تهدید افراد از طریق هدف قراردادن روحیه، حس شهادت و اعتبار آنها. رژیم ترور به رژیمی گفته می‌شود که از طریق ایجاد وحشت، تهدید، حبس و کشتار مخالفان خود حکومت می‌کند (نجفی، ۱۳۸۹: ۵۰۷).

دعوت به ترور علیه مشرکان و کفار در سرزمین آنها از نظر داعش جهاد محسوب می‌شود، به طوری که عدنانی سخنگوی داعش می‌گوید: «شما باید علیه نیروها، سربازان و پلیس آنها دست به اعتصاب بزنید. ... اگر توانستید یک کافر آمریکایی و اروپایی را به قتل برسانید یا یک استرالیایی یا یک کانادایی یا هر شهروندی از کشورهای کافری که در جنگ علیه حکومت اسلامی وارد شده‌اند و دست به ائتلاف زده‌اند، پس با توکل به خدا در هر مکان و در هر زمانی مقدور بود آنها را به قتل برسانید. بکشید کافران را، اعم از نظامی و غیرنظامی، چون برای آنها حکم یکسان است» (Dabiq, Issu 4, 2014: 9).

۵. ۲. ۲. جهاد نکاح

داعش برای تأمین نیاز نیروهای خود از هر وسیله‌ای با توجیهات شرعی و دینی استفاده می‌کند. عریفی از مفتی‌های عربستان تاکنون چند فتوای عجیب و غریب صادر کرده است که جنجالی‌ترین آنها، فتوای جهاد نکاح است که در آن به شورشیان سوری اجازه می‌دهد با زنان ازدواج کوتاه و چندساعته داشته باشند. شیخ عریفی در این فتوا گفته است: «بهترین جهادها، جهاد نکاح است». این ازدواج که وی آن را ازدواج مناکحه یا موقتی می‌نامد، شامل زنان و دختران ۱۴ سال به بالا، مطلقه‌ها و بیوه‌ها می‌شود. او همچنین در این فتوا، بهشت را به آن

دسته از زنانی که به این نوع ازدواج با شبه‌نظامیان رضایت می‌دهند وعده داده است (بامری، ۱۳۹۴: ۲۲۳). به همین منظور، صدها دختر و زن تونسی به عراق و سوریه مهاجرت کردند (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۳۳).

نتیجه

نظریه بحران توماس اسپریگنز در فهم پدیده‌ها و اندیشه‌های سیاسی کاربرد بسیاری دارد. در این مقاله سعی شد با استفاده از این نظریه، علل شکل‌گیری ایدئولوژی داعش و اکاوی شود. داعش با مقایسه کشورهای اسلامی معاصر با دوران جاهلیت زمان پیامبر بر آن است که این جوامع در بحران جاهلیت به سر می‌برند. کفر، شرک، بت‌پرستی، بدعت و انحراف در دین و جهل و ناآگاهی مردم، سبب شکل‌گیری جاهلیت مدرن و معاصر شده است. از نظر داعش دلایل شکل‌گیری این بحران ریشه در دلایل فکری، دلایل عقیدتی و مذهبی، دلایل سیاسی و دلایل انحطاط اخلاقی دارد. مدرنیته و اصول آن از جمله دلایل فکری هستند که سبب شده‌اند انسان‌محوری به جای خدامحوری قرار گیرد، دین از سیاست جدا شود و قوانین بشری و به‌خصوص قوانین غربی به جای قوانین الهی بنشینند تا جایی که احکام الهی از زندگی اجتماعی مسلمانان خاورمیانه رخت بربندد. دلایل عقیدتی و مذهبی مربوط به شیعه‌گرایی و رافضی‌گرایی است. داعش شیعیان را به دلیل بدعت و انحراف در دین بزرگ‌ترین خطر در جوامع اسلامی می‌داند که در پی گسترش قدرت خود در خاورمیانه است. از طرف دیگر سلطه آمریکا و میهن‌پرستی از دلایل سیاسی هستند که سبب تفرقه در منطقه شده است. افزون‌بر این، ساکنان خاورمیانه اعم از زن و مرد چنان دچار گناه شده‌اند که هرکدام نقش‌های اساسی خویش، جهاد و فرزندآوری را به کلی فراموش کرده‌اند و این خود نشانی دیگر از جاهلیت معاصر است که این انحطاط امری درون‌زاست. مجموع دلایل بیان‌شده، داعش و رهبران آن را بر آن داشته که با هجرت و جهاد، راه برون‌رفت از این بحران را هموار کند تا آرمان‌های خود را در قالب احیای خلافت اسلامی به سبک و سیاق خلفای راشدین بازسازی کنند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۴). داعش، بررسی انتقادی تاریخ و افکار، قم، انتشارات: دارالاعلام لمدرسه اهل بیت. ص ۳۷-۳۶.
۲. ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۹). «گفتمان اسلام سلفی و جهانی شدن امنیت خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۳، ش ۵۰: ۱۹۴-۱۷۵. ص ۱۸۲.
۳. احمدی، بابک (۱۳۷۳). مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران: نشر مرکز. ص ۳.

۴. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۷). *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه. ص ۷۷-۵۱-۳۹-۳۳-۱۳.
۵. اصغری‌نژاد، محمد (۱۳۹۳). «زیارت قبور و سفرهای زیارتی از نگاه اهل سنت»، پژوهش‌نامه نقد و هابیت، سراج منیر، سال ۴، ش ۱۶. ص ۱۳۱.
۶. بامری، جواد (۱۳۹۴). *شجره خبیثه، بررسی پیشینه و نقش محمد بن عبدالوهاب در شکل‌گیری داعش*، قم: نشر شهید کاظمی. ص ۲۲۳.
۷. بخشی شیخ احمد، مهدی؛ بهاری، بهنام؛ و وهاب‌پور پیمان (۱۳۹۲). «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری- وهابی دولت اسلامی عراق و شام»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱۶، ش ۶۴. ص ۱۴۵-۹۲.
۸. برزگر، ابراهیم (۱۳۷۶). «چهارچوب مفهومی برای تحولات مصر»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، سال نهم، ش ۲۲. ص ۲۲۸.
۹. ----- (۱۳۸۳). «مسئله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپریگنز»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، سال ششم، ش ۱۲. ص ۴۸.
۱۰. برزگر، ابراهیم و عباس تبار، حبیب‌الله (۱۳۸۵)، «اندیشه سیاسی فارابی و روش جستاری اسپریگنز»، *فصلنامه حقوق و سیاست*، سال هشتم، شماره ۲۱. ص ۵۵.
۱۱. تودنهوفر، یورگن (۱۳۹۴). *ده روز با داعش، از درون دولت اسلامی*، ترجمه علی عبدالهی و زهرا معین‌الدینی، تهران: نشر کتاب کوله‌پشتی. ص ۲۲۲-۲۰۴-۱۱۵.
۱۲. تیلور، چارلز؛ و رجایی، فرهنگ (۱۳۹۳). *زندگی فضیلت‌مند در عصر سکولار*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگه. ص ۶۰.
۱۳. حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)؛ *اسلام سیاسی در ایران*، قم: انتشارات دانشگاه مفید. ص ۱۸-۱۷.
۱۴. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، ج سوم. قم: انتشارات دانشگاه مفید. ص ۴۳۱-۹۰-۸۵.
۱۵. حقیقت، سید صادق؛ و حجازی، سید حامد (۱۳۸۹). «نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران اسپریگنز در مطالعات سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۴۹. ص ۱۸۸.
۱۶. زارعی، آرمان (۱۳۹۳). «پست‌سکولاریسم، مذهب و حوزه عمومی در اندیشه یورگن هابرماس»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۰، ش ۲: ۱۱۲-۷۹. ص ۸۳.
۱۷. سیدنژاد، سید باقر (۱۳۸۹). «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۱۳، ش ۴۷: ۱۲۲-۹۵. ص ۱۰۸.
۱۸. ----- (۱۳۹۰). «رویکردشناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی‌گری»، *فصلنامه فلسفه دین*، سال ۸، ش ۱۱: ۱۶۰-۱۳۱. ص ۱۴۱.
۱۹. صادقی، سید شمس‌الدین؛ اخوان کاظمی، مسعود؛ و لطفی، کامران (۱۳۹۴). «بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره چهارم، ش ۴: ۱۲۸-۱۰۷. ص ۱۲۳-۱۱۸.
۲۰. صبور، رحیم (۱۳۹۳). «جاهلیت در نگاه سلفیه جهادی و اثرات سوء آن بر جهان اسلام»، *پژوهش‌نامه نقد و هابیت، سراج منیر*، سال ۴، ش ۱۶. ص ۱۰۷-۱۰۴.
۲۱. صفی، لوی، م. (۱۳۸۰). *چالش مدرنیته، جهان عرب در جست‌وجوی اصالت*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: دادگستر. ص ۲۵۰.
۲۲. عبدالملکی، سعید (۱۳۹۴). *تحلیل روانشناختی پدیده داعش با تأکید بر روان‌شناسی سیاسی*، تهران: نشر علم. ص ۳۳.
۲۳. عدالت‌نژاد، سعید (۱۳۹۰). «سلفیان تکفیری یا جهادیون»، *فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، قم، ش ۱۳. ص ۱۷۵.
۲۴. عزیزاللهی، حکیمه (۱۳۸۶). «مدرنیته و رنه گنون»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ۱۰، ش ۸۶. ص ۱۴۶-۱۴۵.
۲۵. غفاری، هاشم‌جین؛ و علیزاده، قدسی (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، ش ۱۱. ص ۹۸.
۲۶. فیرحی، داود (۱۳۹۳). «آزادسازی بغداد به‌جای آزادسازی قدس»، *فصلنامه مهرنامه*، سال پنجم، ش ۹۳. ص ۱۰۱.
۲۷. فیروزآبادی، سیدحسین (۱۳۹۴). *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی. ص ۳۹-۳۸.

۲۸. محقر، احمد؛ و خطیبی قوژدی، محمد (۱۳۹۱). «بررسی رابطه مدرنیته و بنیادگرایی اسلامی براساس مفهوم نوستالوژی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال ۱، ش ۲. ص ۳۹-۴۷.
۲۹. مرتضویان، سید علی و دهقانی، محمد علی، (۱۳۹۳)، « بررسی و تبیین اندیشه علامه نائینی بر اساس نظریه بحران اسپریگنز»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال ۶، شماره ۲۳. ص ۸۴.
۳۰. مصطفی، حسن (۱۳۹۴). *داعش، زیرساخت‌های معرفتی و ساختاری*، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد. ص ۱۳۳-۱۰۷-۱۰۱-۹۷-۳۳.
۳۱. منوچهری، عباس؛ و عباسی، مسلم (۱۳۸۹). فرایند شکل‌گیری اندیشه جلال آل احمد «*بازگشت به خویشتن*»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۴: ۳۱۳-۲۹۹. ص ۳۰۰.
۳۲. ناوشکی، حسین؛ احمدیان، قدرت (۱۳۹۴). «عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هجدهم، ش ۷۲: ۶۷-۶۳. ص ۴۸.
۳۳. نجات، سید علی (۱۳۹۴). «راهبرد ایالات متحده آمریکا در قبال دولت اسلامی عراق و شام (داعش)»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی*، سال ۱۶، ش ۴. ص ۷۱-۷۰.
۳۴. نجفی، موسوی (۱۳۸۹)، *هویت ملی ایرانیان و انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات زمان نو. ص ۵۰۷.
۳۵. هوشنگی، حسین؛ و پاکتچی، احمد (۱۳۹۳). *بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق. ص ۲۵۶-۵۵.

(ب) خارجی

36. Brachman, Jarret M. (2009). *Global Jihadism Theory and practice*, Routledge Abingdon, Oxon.p.4.
37. BUNzel, Cole, (2015). *From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State*, The Brookings Project on U.S. Relations with the Islamic World ANALySIS.p.4-11-31.
38. Dabiq, (2014). "The Return of Khilafah", Issue: 1.p.24-36-39.
39. Dabiq, (2014). "The Flood", Issue: 2.p.3-5-11-29-30.
40. Dabiq, (2014). "A Call to Hijrah", Issue:3.p.34-6.
41. Dabiq, (2014). "The Failed Crusade", Issue: 4.p.4-9-46.
42. Dabiq, (2015). "From Hypocrisy to Apostasy", Issue: 7.p.57.
43. Dabiq, (2015). "Shariah Alone Will Rule Africa", Issue: 8.p.8-11.
44. Dabiq, (2015). "The Rafidah From Ibn Saba To The Dajjal", Issue: 13.p.14.
45. Daesh, (2013). "Book 6: black flags from the Palstine", *The Islamic State*.no:6.p.103
46. Daesh, (2014). "The Revived Caliphate", *The Islamic State*.no:7.p.72.
47. Giddens, Anthont (1991). *Modernity and self identity Self and Society in the Late Modern Age*, polity press .p.3.
48. Helfont, S. (2009). *The Muslim Brotherhood and the Emerging 'Shia Crescent'*. Elsevier.p.287
49. Luomi, M. (2008). *Sectarian Identities or Geopolitics? The Regional Shia-Sunni Divide in the Middle East*. Ulkopol I I T T Inen Inst I Tuut T I.p.11
50. Mcquaid, Julia, (2014). "Reviving the Caliphate: Fad,or the Future?", *Center for Stability and Development CNA Corp. Strategic Studies*.p.3.
51. Osman, Fathi, (2001), *Islam in a Modern State: Democracy and the Concept of Shura*, Center for Muslim-Christian Understanding History and International Affairs Edmund A Walsh School of Foreign Service Georgetown University Washington, D.C.p.4.
52. Stern, Jessica And Berger, j.m. (2015). *ISIS The State Of Terror*, HarperCollins Publishers Inc, New York.p.6-66-201.